



چرا بانکهای جهان با تفاوت سود ۲ تا ۳ درصدی موفقند و بانکهای ایران علیرغم تفاوت ۳۰ درصدی ناموفق؟ پاسخ را باید در دو واقعیت یافت، سوء مدیریت و فساد، آن هم از نوع سازمان یافته، بانکداری حرفه‌ای تخصصی است در حالی که در کشور ما مدیران بانکی نه مدیر بلکه گماشتگان قدرت سیاسی‌اند که میر خود را در ازای اجرای دستورات دولت‌مردان و سیاستمداران به دست آورده و از سپرده مردم برای حفظ آن خرج می‌کنند...

دکتر هاشم اورعی - استاد دانشگاه صنعتی شریف

بانکداری در جهان با قدمتی چهار هزار ساله و دادن وام گندم به کشاورزان در آشور، سومر و هندوستان آغاز شد، کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد در آن دوران عملیات بانکداری در معابد متمرکز بوده است، در قرون وسطی این فعالیت توسعه یافته و در مراکز تجاری جهان از جمله فلورانس، ونیز و جنوا رونق یافت، قدیمی‌ترین بانک جهان ایتالیایی و از سال ۱۴۷۲ میلادی در حال فعالیت است. سپس از شمال ایتالیا به سرتاسر امپراطوری روم گسترش یافته، در قرن ۱۷ به آمستردام و در قرن ۱۸ به لندن رسید، توسعه چشمگیر ارتباطات و کامپیوتر در قرن بیستم موجب افزایش قابل توجه اهمیت بانکداری در اقتصاد جهان گردید.

اما در ایران باستان در هگمتانه یک نهاد بانکی جهت تسهیل امور تجاری فعال بوده و لوحی مربوط به یک سال پس از فتح بابل توسط کوروش کبیر حکایت از اولین وام بانکی آن دوران دارد، نزدیک به یک و نیم قرن پیش، حاج محمد حسن امین الضرب، طی نامه‌ای به ناصرالدین شاه او را از نقش بانکداری در تقویت اقتصاد ملی آگاه کرده و پیشنهاد داد که اولین بانک ایرانی با سرمایه مشترک ملت و دولت تأسیس شود، اما از آنجا که شاه مشغله‌های بسیاری از جمله سرسره بازی داشت به این طرح اهمیتی نداد، در نهایت در سال ۱۲۶۶ شمسی «بانک جدید شرق» بدون اخذ مجوز از دولت آغاز به کار کرد و برای اولین بار حساب جاری که به آن بهره تعلق می‌گرفت ارائه نمود.

با این مقدمه تاریخی شاهد آنیم که نقش بانکها در اقتصاد جهان تجهیز منابع یعنی اخذ سپرده از مردم و تخصیص منابع یعنی ارائه تسهیلات به فعالان اقتصادیست، بدین ترتیب بانکها نقش اساسی و انگارناپذیری در توسعه اقتصاد ملی ایفاء کرده و به عنوان موتور محرک اقتصاد عمل می‌کنند، نکته قابل توجه این که معمولاً در جهان اختلاف بین سود پرداختی به سپرده‌گذاران و اخذ شده از دریافت‌کنندگان تسهیلات بین ۲ تا ۳ درصد است که برای تأمین هزینه‌ها استفاده شده و مابقی به عنوان سود عملکرد بانکها منظور می‌گردد، در حال حاضر بانکها به عنوان معتبرترین و سودآورترین بنگاهها بشمار می‌روند، لیکن در ایران حتی چنانچه بانکهای وطنی قوانین و مقررات را بطور کامل رعایت کنند این اختلاف بسیار بیشتر است و علیرغم آن شاهدیم که اکثر بانکها رو به ورشکستگی‌اند، اما در عمل این نهادها مالی با انکاء به ثروت و قدرت سیاسی قوانین جاری کشور را زیر پا نهاده و نرخ بهره تسهیلات اعطایی تا ۲۵ درصد بیشتر از سود سپرده است، حال که دولت در هفته‌های پایانی عمر خود به‌سر می‌برد و نمی‌توان انتظار خلافت و ابتکار عمل داشت، ضروریست به دلایل وضعیت اسف بار نظام بانکی کشور پرداخته و به انتظار اقدامات دولت بعدی نشست، یعنی شرایطی که ملت با آن کاملاً آشنا بوده و هر چهار یا هشت سال تکرار می‌شود.

در ابتدا لازم است به برخی تخلفات رایج بانکها اشاره شود، بنابراین اعلام دبیر ستاد تسهیل و رفع موانع تولید که سال گذشته یعنی در سال جهش تولید با نفوذ و اعمال فشار مافیای بانکی به جرم حمایت از تولید برکنار شد، ۴۵ تخلف رایج بانکی شناسایی شده است که شامل مطالبه سود به مراتب بیشتر از میزان تعیین شده از سوی بانک مرکزی، عدم رعایت تسهیم بالتسبیه، بلوکه کردن بخشی از تسهیلات اعطایی، الزام به سپرده‌گذاری، محاسبه ۱۴ درصد به‌عنوان جریمه دیرکرد به‌جای ۶ درصد و اخذ بهره مرکب می‌باشد، نتیجه این اقدامات غیرقانونی کار را به جایی رسانده که بدهی بانکی واحدهای تولیدی و صنعتی چندین برابر میزان واقعی آن اعلام شده و تولیدکننده نگویند بخت زیر انواع فشار از سوی بانکها از هر گونه حمایت دولت ناامید شده و ناگزیر به قوه قضائیه بنام می‌برد، عمق فاجعه آنجاست که بانک مرکزی که مسئولیت وضع مقررات و نظارت بر اجرای آن را بر دوش می‌کشد تنها نظاره گر این سلاخی بوده و بی محابا اقتصاد و استقلال کشور را به مخاطره می‌اندازد.

اما چرا بانکهای جهان با تفاوت سود ۲ تا ۳ درصدی موفقند و بانکهای ایران علیرغم تفاوت ۳۰ درصدی ناموفق؟ پاسخ را باید در دو واقعیت یافت، سوء مدیریت و فساد، آن هم از نوع سازمان یافته، بانکداری حرفه‌ای تخصصی است در حالی که در کشور ما مدیران بانکی نه مدیر بلکه گماشتگان قدرت سیاسی‌اند که میر خود را در ازای اجرای دستورات دولت‌مردان و سیاستمداران به دست آورده و از سپرده مردم برای حفظ آن خرج می‌کنند، در کالبد شکافی شرایط مدیریتی شبکه بانکی کشور به این نتیجه می‌رسیم که در یکی دو دهه اخیر بانکها بخش بزرگی از نقدینگی کشور را جذب کرده، بخش کوچکی از آن را به سمت تولید و صنعت واقعی یعنی بخش خصوصی هدایت کرده و بخش اعظم آن را با ن دادن به قدرت سیاسی در اختیار پروژه‌های دولتی قرار داده و یا به صورت وام‌های صوری به شرکت‌های کاذب داده است که صرفاً برای اخذ وام تأسیس شده‌اند، به عبارت دیگر مسأله اصلی در انتخاب مدیران شبکه بانکی از ابتدا اجرای اوامر ملوکانه مسئولین بوده است و نه توسعه اقتصادی کشور، در ادامه این تراژدی حال که بخش قابل توجهی از تسهیلات اعطایی همانطور که انتظار می‌رفت به تاراج رفته، شبکه بانکی برای جلوگیری از ورشکستگی و لو رفتن ماجرا تا پایان دوره مدیریت خود، بر تولیدکننده فشار مضاعف وارد می‌کند تا به آنجا که طبق اعلام دبیر ستاد تسهیل، تنها یک بانک دولتی موفق شده است ۵۰۰ واحد صنعتی را تملک و به تعطیلی بکشاند و این همان بانک‌است که خاوری را در دامن خود پرورش داد، البته در شبکه بانکی بسیاری خاوری‌ها و باخترها تولید شده‌اند که زیر چتر حمایتی قدرت سیاسی سخت به قلع و قمع توأم تولید مشغولند.

خلاصه اینکه از شبکه بانکی بوی پول به مشام امت رسیده و درآرایی ملت به تاراج رفته و در واقع دینه به دست گریه سپرده شده است! بانک مرکزی هم که باید مأمور پایین گریه باشد به صحنه آمده و به دنبال سهم خود از دینه است، بخشنامه‌های بانک مرکزی به‌گونه‌ای تنظیم شده که قابلیت تفسیر داشته و راه سوءاستفاده بانکها باز گذاشته شده است، نتیجه این پیوند نامیمون بین صاحبان قدرت در حاکمیت به عنوان کارگردان، مدیران بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و گماشتگان در نقش مدیران شبکه بانکی، انبوهی برپونده در دستگاه قضاست که منجر به طولانی شدن فرآیند قضایی و تعطیلی فرآیندهای واحدهای تولیدی شده است، حال که دولت به جای مقابله با مافیای بانکی به جمع آن پیوسته و نمی‌تواند از آن انتظاری داشته، جای بسی خوشوقتی است که قوه قضائیه تمام قد به میدان آمده تا بچه آهو را که همان تولید کننده بخش خصوصی‌است از چنگال پلنگ برهاند.

مخلص کلام اینکه گام اول در مانع‌زدایی تحول اساسی در شبکه بانکی کشور است و دولت جدید باید با رزانه‌ای در این بخش حمله‌ی مدیران را از برج‌های عاج بیرون انداخته و قوه قضائیه آنان را به اتهام حیانت به ملت و منافع ملی به محاکمه بکشاند، در چهار هزار سال سابقه بانکداری در جهان، ما موفق شده‌ایم در یکی دو دهه اخیر بانکداری نوینی ابتاع کنیم که هدف آن نه توسعه اقتصادی کشور بلکه استفاده حداکثری از فساد سازمان‌یافته در بالاترین سطوح است، چنانچه قرار باشد در حمایت از تولید با را از شعار فرار نهم دولت جدید باید شجاعانه و قاطعانه این بخش مهم از اقتصاد کشور را بازسازی کند.

لینک کوتاه مطلب : <https://jahaneghtesad.com/?p=139896>

گروه اقتصاد و توسعه